

تأثیر آینده‌های محتمل عراق پس‌داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس روش سناریونویسی

داود افشاری^۱

شهرزاد ابراهیمی*

چکیده

کشور عراق در مقایسه با سایر همسایگان ایران، بیشترین تأثیرگذاری را بر امنیت و منافع ملی ایران داشته است. به ویژه بعد از برون‌رفت از بحران داعش به سمت تقویت هویت ملی جدید و کاهش نفوذ قدرت‌های خارجی گام برداشته و در نتیجه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را به تکاپو واداشته تا به یارگیری در عراق جدید بپردازند. بنابراین تحولات آینده عراق نقش مهمی در ترسیم خطوط قدرت در این منطقه بازی خواهد کرد. در این دوره بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنبال افزایش نقش و نفوذ بیشتر در معادلات این کشور و در نهایت ترسیم سناریوی مطلوب خود هستند. مقاله حاضر بر اساس روش سناریونویسی قصد دارد به بررسی تأثیر سناریوهای محتمل آینده عراق بر امنیت ملی ج.ا.ایران بپردازد. در این راستا نگارنده به شناسایی فاکتورهای کلیدی مؤثر بر تحولات عراق اقدام و سپس با شناسایی پیش‌ران‌ها، عدم قطعیت‌های موجود در عراق را شناسایی و در نهایت شش سناریوی محتمل آینده عراق را مورد شناسایی قرار داده است. این سناریوها بر اساس احتمال وقوع، اهمیت و مطلوب بودن به ترتیب عبارت‌اند از: سناریوی تغییر ساختار سیاسی در عراق از طریق تغییر قانون اساسی، کودتای ارتش، جنگ داخلی، تجزیه عراق، اتحاد و انسجام میان احزاب و افزایش قدرت ملی عراق (عدم همراهی با ایران) و در نهایت: سناریوی تقسیم عادلانه و دمکراتیک قدرت (همراه با ایران). به اعتقاد نگارنده سناریوی تقسیم عادلانه قدرت در همراهی با ایران با توجه به وقایع اخیر محتمل‌تر و برای امنیت ملی ج.ا.ایران نیز مطلوب‌تر می‌نماید.

واژگان کلیدی: عراق، آینده پژوهی، سناریو نویسی، پس‌داعش، ایران

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

* sh.ebrahimi@ase.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هشت، صص ۹۱-۱۲۴

تحولات پی در پی عراق، مجموعه‌ای متغیر، متناقض و متقارن از فرصت‌ها و تهدیدها را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد خواهد کرد. کشور عراق در شرایط جدید شاهد برون‌رفت از بحران داعش و رسیدن به ثبات نسبی و کاهش ناامنی‌ها و روی کار آمدن دولت جدید با رویکردی نوین بوده که مهم‌ترین ویژگی آن به قدرت رسیدن بازیگران جدید در ساختار سیاسی است. عراق جدید همانند گذشته یک تهدید نظامی برای جمهوری اسلامی نیست، اما همچنان زمینه‌های بالقوه هدایت تنش و ناامنی به حوزه امنیت ملی ایران را دارد. مسائل امنیتی در شرایط جدید تغییر جدی کرده است. چالش‌های ناشی از رقابت گروه‌های مختلف قومی و سیاسی در داخل عراق و آثار زیان‌بار ناشی از آن، اختلاف بین شیعیان، اعتراضات مردمی علیه فساد، افراط‌گرایی، تشدید فعالیت ایالات متحده و نیروهای تأثیر گذار خارجی در آن و احتمال تشکیل دولت غیر همسو با ایران از جمله چالش‌های جدیدند که از زاویه داخلی عراق وارد حوزه امنیت ملی ایران می‌شود. ج.ا.ایران با نقش‌آفرینی زیاد در تحولات چندساله عراق و جلوگیری از به تصرف درآمدن شهرهای عراق توسط داعش، توانسته است برخی نیروها و بازیگران داخلی عراق را با خود همراه کند که البته برخی از گروه‌ها و احزاب عراق نیز با این مهم مخالف بوده و از آن تحت عنوان دخالت یاد کرده‌اند. از سویی وجود دولت جدید در آمریکا و رویکرد نوین ترامپ به منطقه، جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عربی می‌تواند سناریوهای مختلفی را در ارتباط با آینده عراق رقم بزند. بنابراین مسائلی از قبیل آینده سیاسی عراق در منطقه، چیدمان قدرت در این کشور، ترکیب حکومت و نقش گروه‌های متنوع قومی - مذهبی و همچنین نقش نیروهای خارجی به‌ویژه آمریکا در عراق در کانون این نگرانی‌ها و توجهات قرار دارد.

به رغم برخی امیدواری‌ها برای تبدیل شدن تدریجی عراق به کشوری باثبات و قدرتمند در دوره پس از داعش، این کشور همچنان با گستره وسیعی از چالش‌ها و بحران‌ها روبرو است. حضور همه‌جانبه آمریکا در عراق، مداخله منفی و مخرب برخی کشورهای منطقه در جهت ایجاد بی‌ثباتی در عراق، پیدایش گروه‌های شورشی مسلح و تروریستی، مشکلات سیاسی و بوروکراتیک ناشی از نظام پارلمانی و مبتنی بر

سه‌میه‌بندی قومی، مذهبی، گرایش‌های واگرایانه اکراد در قبال دولت مرکزی و نوستالژی بخشی از سنی‌های عراق برای بازگشت به دوره بعث از مهم‌ترین عواملی هستند که می‌تواند به بحران‌های متعددی در این کشور منجر شوند. با این وصف نظر به اینکه آینده‌پژوهی رشته‌ای است مستقل که به شکلی روشمند به مطالعه آینده می‌پردازد و تصاویری از آینده در اختیار ما قرار می‌دهد تا در زمان حال بر اساس این تصاویر بتوانیم به شکل کارآمدتری تصمیم بگیریم، کشف آینده و شکل بخشیدن به آینده‌های مطلوب اهمیت دارد. پژوهش حاضر بر اساس روش آینده‌پژوهی و شیوه سناریونویسی به شناسایی متغیرها و بازیگران سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در عراق پرداخته و پس از تعیین فاکتورهای کلیدی، پیشران‌های سپهر سیاسی عراق را شناسایی و در نهایت با مشخص کردن عدم قطعیت‌ها به شناسایی و تبیین سناریوهای آتی عراق و میزان تأثیر گذاری آن‌ها بر امنیت ملی ج.ا.ایران پرداخته است.

نوآوری پژوهش پیش رو از این روست که تا کنون مقاله و یا کتابی در خصوص آینده عراق پس از داعش که در آن تمامی پیشران‌ها و نیروهای تأثیرگذار در عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران را مورد بررسی قرار داده باشد نگاشته نشده است. همچنین بازیگران جدیدالورود به صحنه سیاسی عراق معرفی و میزان تأثیر آن‌ها مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است و تقریباً در ابتدا تمامی سناریوها و عدم قطعیت‌ها معرفی و در انتها بر اساس شاخص‌های معین به مهم‌ترین آن‌ها به ترتیب احتمال وقوع و تأثیرگذاری کم به زیاد مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.

۲. ادبیات پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع و پیچیدگی روابط دو کشور عراق و ایران، کتب، مقالات و پژوهش‌های علمی بسیاری در داخل و خارج از کشور نوشته شده است. البته لازم به ذکر است تعداد کمی از این مطالعات بر اساس روش آینده‌پژوهی یا شیوه سناریونویسی بوده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین منابع موجود در این حوزه اشاره خواهد شد.

۲-۱. مطالعات داخلی

سمیعی اصفهانی و فرحمند (۱۳۹۸) در مقاله ای تحت عنوان «سناریوهای همه پرسی استقلال کردستان عراق» که در پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل به چاپ رسیده است به تبیین و بررسی آینده‌های پیش روی کردستان عراق ناشی از خلاء قدرت پیش آمده پرداخته و به پنج سناریو در سه دسته بندی اشاره کرده است. الف) سناریوی مطلوب: ۱) انجام مذاکرات اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق، ایران، ترکیه، آمریکا و متحدان غربی آن و اعلام استقلال کردستان؛ ۲) استقلال اقلیم کردستان و بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصادی اربیل برای تاثیرگذاری بر کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی آینده؛ ب) سناریوی محتمل: ۱) میانجی‌گری بازیگر ثالث و کسب امتیاز اقتصادی و سیاسی در اداره مناطق مورد مناقشه و ایجاد سیستم کنفدرال در ازای تعویق یا کنار گذاشتن استقلال کردستان؛ ۲) اعلام فوری استقلال کردستان عراق پس از شکست مذاکرات احتمالی با حکومت مرکزی عراق و دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ ج) سناریوی ممکن: ایجاد کردستان بزرگ. یافته‌های پژوهش این مقاله نشان می‌دهد که پیامدهای حاصل از برگزاری رفراندوم ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷، اقلیم کردستان را دچار مشکلات عدیده کرده است. در هر صورت از آنجا که یکی از نیروهای پیش‌ران در مقاله پیش‌رو بازیگری کرده‌های عراق و همسایه‌های درگیر با مسئله کردی است از این مقاله بهره گرفته شده است.

- منتظران و قربانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «سناریوهای پیش روی آینده عراق و تحلیل دورنمای حقوقی، بین‌المللی و امنیتی ج.آ.ایران» که در فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی به چاپ رسیده است بر اساس روش آینده پژوهی به تبیین سناریوهای آینده بحران عراق و ارزیابی و تحلیل تاثیرات متقابل آن بر حوزه حقوقی - بین‌المللی و امنیتی ج.آ.ایران پرداخته و به عقیده ایشان سناریوهای بازپس‌گیری عراق از دست داعش، تقسیم مسالمت‌آمیز قدرت در عراق، اتحاد میان اقوام و مذاهب از سناریوهای محتمل و نزدیک به منافع ایران معرفی گردیده است. لازم به ذکر است تفاوت مقاله حاضر با مقاله فوق در این است که مقاله پیش رو پس از برونرفت عراق از بحران داعش را مورد بررسی قرار داده است و بر اساس بازیگران و تحولات شکل گرفته و نوین‌تر در عراق به تبیین سناریوها پرداخته و یک مرحله جلوتر

می‌باشد. با این حال در راستای نگارش پژوهش از این مقاله نیز حتی الامکان بهره گرفته شده است.

- یزدانی و افشاری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «سناریوهای محتمل آینده عراق بر اساس بازیگران مؤثر سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» که در فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره نوزدهم به چاپ رسیده است به بررسی بازیگران سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به تحولات عراق دوران داعش پرداخته تا سناریوهایی محتمل عراق را مورد بررسی قرار دهد. در این راستا نگارنده به ترتیب احتمال کم به زیاد چهار سناریوی؛ غیرمنتظره نامطلوب (سقوط عراق توسط داعش)، منتظره مطلوب (شکست کامل داعش در عراق)، غیرمنتظره مطلوب (تجزیه عراق - نسبت به سقوط آن -) و منتظره غیرمطلوب (مدیریت بی‌ثباتی در عراق توسط آمریکا)، را مورد شناسایی و بررسی قرار داده است. از آنجاکه این مقاله که بر اساس روش آینده‌پژوهی و شیوه سناریونویسی نگاشته شده است نزدیک‌ترین مقاله مربوط به پژوهش حاضر می‌باشد. البته لازم به ذکر است که مقاله فوق مربوط به تحولات قبل از سقوط داعش در عراق بوده است و تفاوت آن با پژوهش حاضر نیز در همین نکته خواهد بود که مقاله مربوط به دوران داعش و پژوهش کنونی مربوط به دوران پسا داعش است.

- وثوقی و صفری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش ایالات متحده آمریکا در افراط‌گری‌های منطقه خاورمیانه با تأکید بر عراق و سوریه» به بررسی نقش آمریکا در گسترش افراط‌گری در دو کشور سوریه و عراق پرداخته‌اند. ایشان معتقدند که شکل‌گیری افراط‌گرایی در منطقه خاورمیانه با وجود فراهم بودن بسترهای داخلی به محرک خارجی نیز نیاز دارد. آمریکا با استفاده از برخی از ابزارها بر این افراط‌گرایی دامن زده است. از آنجایی که در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا؛ نظر بر عمل مقدم است، این کشور با توجه به رهنمودهای نظریه‌پردازان خود از جمله برنارد لوئیس و هانتینگتون تلاش دارد از طریق تبدیل کردن کشورهای منطقه خاورمیانه به دولت‌های ذره‌ای، هرگونه تهدیدی علیه امنیت آمریکا و مهم‌ترین هم‌پیمانش در منطقه یعنی اسرائیل را از بین ببرد. ایالات متحده آمریکا از طریق تضعیف عراق و به وجود آوردن دولت حامی در این کشور می‌تواند کنترل انحصاری بر منابع اقتصادی عراق از جمله

نفت داشته باشد. از سوی دیگر از گسترش همبستگی فراملی شیعیان جلوگیری نماید. این مقاله برخلاف پژوهش حاضر که کلیه سطوح و بازیگران را مورد بررسی قرار می‌دهد تنها بر بازیگری و تأثیر آمریکا تأکید کرده است.

۲-۲. مطالعات خارجی

مگیولینی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی عراق در راستای توسعه منطقه‌ای» عراق را یکی از مراکز مهم فرهنگی، مذهبی و سیاسی خاورمیانه قلمداد کرده که پس از برون‌رفت از بحران داعش به نظر می‌رسد سعی در تثبیت و استقلال در سیاست خارجی داشته باشد. در همین راستا نگارنده فوق به ارتباط برخی از احزاب و شخصیت‌هایی برای ارتباط‌گیری با سایر کشورهای منطقه‌ای از جمله ایران، ترکیه و عربستان اشاره داشته و این‌گونه نتیجه می‌گیرد که به احتمال زیاد در دولت جدید عراق شاهد استقلال پس از برجیده شدن داعش خواهد بود. و این راستا بر اساس منافع ملی خود عمل کند. در جایی از مقاله به ارتباط این کشور با کشورهای فرا منطقه‌ای همچون آمریکا و روسیه و تقابل آن دو کشور برای نفوذ در عراق اشاراتی شده است. همچنین بیان شده است که قدرت ایران در عراق نسبت به قبل رو به کاهش خواهد رفت. این مقاله از آن رو برای پژوهش پیش رو دارای اهمیت است که به بازیگران داخلی و خارجی و نحوه تقابل آن‌ها برای سهم شدن در قدرت عراق اشاره کرده است.

- لایپسون (۲۰۱۷) در کتابی با عنوان «آینده روابط عراق و ایالات متحده آمریکا» منافع و علایق دو کشور در ایجاد و گسترش ارتباطات دوجانبه را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. کتاب پس از بررسی پیشینه روابط دو کشور به‌ویژه پس از حمله آمریکا به این کشور به دوران اخیر وارد شده و معتقد است که ایالات متحده در خصوص عراق نگرانی‌هایی دارد که ترامپ در دوره جدید به احتمال زیاد خواهان از سرگیری روابط گسترده‌ای با عراق خواهد بود و یکی از دلایل این مهم گرایش، دولت جدید عراق به

-
1. Paolo Maggolini
 2. Ellen Laipson

عربستان و حامیان اوست و از سویی آمریکا برای تحدید ج.آ.ایران به‌احتمال‌زیاد در این اقدام پیش‌دستی خواهد نمود.

- کوتی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «چرخ‌دنده‌های روابط عراق و عربستان» به بررسی روابط دو کشور و تأثیر آمریکا بر رابطه دو کشور پرداخته است. نگارنده این‌گونه بیان می‌دارد که از ژانویه ۲۰۱۷ روابط عراق و عربستان با مدیریت آمریکایی‌ها در حال بهبود است و مقامات عربستانی برای ملاقات‌های مهمی پس از روی کار آمدن دولت جدید روانه عراق شده‌اند و البته افکار عمومی عراق در این راستا پشتیبان این حرکت بوده است. نگارنده دلایلی برای بهبود رابطه عراق و عربستان تحت مدیریت آمریکایی‌ها ذکر می‌کند که به‌عنوان نمونه می‌توان به باز کردن مرز دو کشور، فرستادن نمایندگان دیپلماتیک به عراق، افتتاح شورای هماهنگی عربستان سعودی - عراق و ... اشاره کرد. درنهایت نگارنده مقاله این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که به‌احتمال‌زیاد دولت جدید در عراق از حمایت عربستان برخوردار گردد و از قدرت ایران در عراق کاسته خواهد شد.

- منصور (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «مبارزه برای دولت: آینده پس از داعش» به بررسی سناریوهای احتمالی چنین قدرت در عراق پرداخته است و میزان قدرت و تأثیرگذاری آن‌ها، رویکردها و شخصیت‌های هرکدام از جریان‌ها در عراق را بیان کرده است. نگارنده معتقد است پس از شکست داعش در عراق در سال ۲۰۱۸ فرصت جدیدی برای انسجام و کسب اعتماد شهروندان به وجود آمده است و رهبران شیعه، کرد و سنی عراق در حال حاضر در حال از دست دادن قدرت پیشین خود در عراق هستند و این سیاست‌های هویتی جدید بر پایه ناسیونالیسم، هویت عربی و رقابت‌های درون این جامعه است که آینده عراق را مشخص خواهد کرد. این مقاله از آنجاکه دورنمایی از آینده دلخواه خود را از عراق به تصویر کشیده است برای پژوهش حاضر دارای اهمیت ویژه‌ای است.

1. Yasir Kuoti
2. Renad Mansour

۳. چارچوب تحلیلی: آینده‌پژوهی

بشر در طول زندگی خود همواره با موضوع «جهت‌گیری به سود آینده یا آینده چه خواهد شد؟» مواجه بوده است و نکته اساسی آن بحث نیز، چگونگی پاسخگویی به این جهت‌گیری بوده است. در این نگاه ما با یک آینده مواجه نیستیم بلکه با آینده‌های متفاوتی مواجه هستیم که می‌توانیم در آن‌ها نقش انتخاب‌گر داشته باشیم. این رویکرد، آینده‌پژوهی را با یک وضعیت پیچیده روبرو می‌سازد. این چیزی است که راهی برای رهبران، تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذارها باقی نمی‌گذارد، جز آنکه آنان را ناگزیر به اندیشیدن به آینده نماید ((Dettinger, 2016: 198). تعاریف متعدد و گوناگونی از مفهوم آینده‌پژوهی ارائه گردیده است. در یک تعبیر کلی و با استفاده از برخی روش‌های توصیفی یا تجویزی می‌توان گفت: آینده‌پژوهی عبارت است از تلاش برای درک آنچه در آینده می‌تواند روی دهد و یا باید روی دهد و یا به تعریف دیگر آینده‌پژوهی فرآیندی است که به پیش‌بینی چندین رویداد محتمل می‌پردازد (تقوی گیلانی، ۱۳۸۹: ۶۷). در واقع آینده‌پژوهی، فرآیندی است که نیاز به رویکرد سامانمند و مشارکتی برای توسعه راهبردها و سیاست‌های کارا برای دوره میان‌مدت و بلندمدت آینده دارد. در تعاریف متعددی که برای آینده‌نگاری ارائه شده است، دلالت‌های ضمنی به شرح زیر وجود دارد.

۱- تلاش برای بررسی آینده باید نظام‌مند باشد؛ ۲- این تلاش باید درازمدت باشد - به‌طور معمول ۱۰ تا ۳۰ سال، ۳- آینده‌نگاری یک فرآیند است؛ ۴- تأکید روی شناسایی سریع متغیرهای عام نوظهور است؛ ۵- تأکید بر حوزه‌های تحقیقاتی راهبردی است (مظفری، ۱۳۸۸: ۳۴).

آینده‌نگاری فرآیندی است که مهم‌ترین نتیجه آن تنظیم اولویت‌ها برای راهبردها و استراتژی‌های یک کشور در قبال آیند است؛ از این رو به‌منظور دستیابی به چنین نتایجی باید از روش‌های مختلف آینده‌نگاری استفاده کرد. فایده روش‌های آینده‌نگاری، کشف، خلق و آزمایش دیدگاه‌ها و آرمان‌های مطلوب و ممکن آینده است. داشتن یک آرمان برای آینده در اتخاذ سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌ها مفید است و احتمال وقوع آینده‌های مطلوب را بیشتر می‌کند (مرادی، ۱۳۹۰: ۴۷).

۴. سناریونویسی یکی از روش‌های آینده‌پژوهی

سناریو را «طرح کلی وضعیت طبیعی و یا مورد انتظار حوادث» می‌دانند. اما اگر تخصصی‌تر بخواهیم سناریو را تعریف کنیم می‌توان گفت که سناریو داستانی توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده نظر دارد. سناریو، چهره آینده است. پیش‌گویی نیست، هدف سناریوسازی، گسترش تفکر در مورد آینده و عریض‌تر کردن طیف عناصری است که می‌تواند مورد نظر ما باشد (ستاری خواه، ۱۳۹۳: ۱۷). سناریو مجموعه امکاناتی است که به آینده مرتبط می‌شوند. آینده نامعلوم است و سناریو اندیشیدن در مورد نامعلومی را به ما می‌آموزد. سناریوها به ما می‌آموزند که درباره همین نامعلومی‌ها بیندیشیم و فرض‌های دست و پاگیر امروزی را از دست و پای ذهن بازکنیم و بتوانیم گسست‌هایی را که ممکن است جهان ما را دگرگون سازنده شناسایی کنیم (شوارتز، ۱۳۹۰: ۲۱۶).

بنابراین سناریوها می‌توانند ابزار مؤثری برای مفهوم‌سازی آینده، بررسی تحلیلی رویدادها و بررسی تمامی جوانب اطلاعات باشد که می‌باید سازمان‌دهی‌شان کرد و ابزاری نیز که برای این مهم استفاده می‌شود می‌بایست با سازواری درونی و منطقی مسیر آینده را مشخص کنند. در نقطه مقابل تفکر سناریویی، پیش‌بینی قرار دارد. در پیش‌بینی همواره یک آینده محتمل مدنظر قرار دارد و بر اساس قضاوت‌های احساسی افراد تشکیل می‌شود. فرض اساسی در این دیدگاه این است که بعضی از افراد می‌توانند بسیاری از وضعیت‌های آینده را پیشگویی کرده و زودتر از بقیه افراد هر آنچه را که رخ خواهد داد بازگو کنند. اما چنین دیدگاهی تأثیرات و متغیرهای بسیاری را از کانون توجه افراد دور می‌کند (منوری، ۱۳۸۳: ۹۸).

این همان جایی است که سناریوها به کمک می‌آیند و گستره وسیعی از آینده را به کانون توجه افراد کشانده و بسیاری از عوامل را که به نظر غیر مرتبط می‌آیند در تحلیل‌هایی با سازواری درونی (فارغ از هرگونه تناقض و بر اساس منطق علت و معلولی) به طور یکپارچه و واضح تشریح می‌کنند.

سناریونویسی فرایند خاص خود را دارد و مراحل مختلفی دارد که به این شرح است:

گام اول: شناسایی دقیق موضوع؛ گام دوم: تشکیل کارگروه فکری، گام سوم: شناسایی بازیگران؛ گام چهارم: شناسایی مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار؛ گام پنجم: شناسایی پیشران‌ها؛ گام ششم: شناسایی عدم قطعیت‌ها؛ گام هفتم: ترسیم چشم‌انداز کلی، گام هشتم: تعیین عدم قطعیت‌های کلیدی، گام نهم: نوشتن سناریوها (خوش دهان، ۱۳۸۸: ۳۹). بر این مبنای گام‌به‌گام مراحل سناریو نگاری را پیش می‌بریم تا به سناریوها به شیوه‌های علمی و اصولی دست یابیم.

۴-۱. مشخص کردن موضوع اصلی

هنگام سناریوسازی، بهتر آن است که حرکت از درون به بیرون انجام گیرد نه از بیرون به درون یعنی یا یک موضوع با تصمیم مشخص شروع و سپس به سوی محیط بیرون آن موضوع حرکت کنیم. انتخاب موضوع؛ سناریوهایی که بر پایه تغییرات اقتصاد و سیاست کلان ساخته می‌شوند را برای یک شرکت یا کشور خاص نمایان نمی‌کنند. (وحیدی مطلق و ناظمی، ۱۳۸۷: ۱۱۶). بنابراین، ضروری است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: ۱- تصمیم‌گیرندگان در آینده نزدیک به چه چیزی خواهند اندیشید؟ ۲- تصمیم‌هایی که باید اتخاذ شود و اثری درازمدت بر آتیه خواهد داشت، کدام است؟ ابتدا باید موضوع یا پرسش مشخصی را تشخیص داد. در تشخیص مسئله باید ذهن از مفروضات و رسوباتی مانند خوش‌بینی و بدبینی زوده شود. حالات و رسوبات ذهنی، مانع طرح درست پرسش‌ها هستند. اعضای گروه سناریو پس از کنار گذاشتن پیش‌فرض‌ها و کلیشه‌ها، باید بر سر مسئله اصلی تصمیم‌گیری، به تفاهم برسند.

۴-۲. شناسایی متغیرها و بازیگران مؤثر در سپهر سیاسی نوین عراق

در این گام مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگران از طریق روش ذهن‌انگیزی شناسایی و بررسی می‌شوند. سپس بازیگران به دو دسته تحت نفوذ و خارج از کنترل تقسیم می‌شوند (پدرام و زالی، ۱۳۹۴: ۲۰). در ادامه، مجموعه‌ای از بازیگران را معرفی می‌کنیم که دارای اهمیت‌اند و در همه سناریوهای آینده حضوری فعال دارند. گروه اول بازیگران خارج از کنترل و نفوذند که دولت مرکزی عراق بر رفتارهای آن‌ها کنترلی ندارد و یا

نفوذ مؤثری برکنش‌های آنان ندارد. مثلاً، بازیگران خارج از کنترل و نفوذ در بدنه داخلی عراق که احتمال ارتباط‌گیری آن‌ها با ایالت متحده بالا بوده و یا آمریکا می‌تواند بر آن‌ها اثر بگذارد شامل کردهای عراق و پیش‌مرگ‌ها و نیروهای وابسته به اسامه النجیفی و سنی‌ها نظیر نگهبانان شام و حشد الوطنی و گروه‌های باقی‌مانده از حزب بعث عراق در صحنه بین‌المللی بازیگران، شامل داعش و برخی گروه‌های شیعی مخالف جمهوری اسلامی ایران است. گروه دوم بازیگران در دایره همکاری دولت مرکزی عراق تعریف شده‌اند که خود به چند دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول بازیگران داخلی ایران شامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت اطلاعات، وزارت امور خارجه و وزارت دفاع ایران و دست دوم بازیگران عراقی شامل نهاد ریاست جمهوری عراق ارتش عراق نیروهای نظامی حشدالشعبی و دسته سوم هم سایر بازیگران منطقه‌ای شامل، لبنان، سوریه، ترکیه، قطر، عربستان و رژیم صهیونیستی است که ضریب تأثیرگذاری ایالات متحده آمریکا نیز بر آن‌ها بر حسب تحولات و ارتباط با سایر بازیگران و عوامل، متغیر است. و در انتهای نیز به متغیرها و بازیگران بین‌المللی اشاره شده است که می‌توان به طور خلاصه در جدول ذیل مشاهده نمود.

جدول شماره ۱. متغیرها و بازیگران مؤثر در سپهر سیاسی نوین عراق

ردیف	ساختارها	زیر ساختارها
۱	نظام سیاسی و حکومتی	نظام دموکراتیک، انتخابات، فدرالیسم، احزاب، نخست‌وزیری، پارلمان
۲	اقتصاد	صادرات، واردات، انرژی، فساد اقتصادی، وام‌های خارجی، گردشگری
۳	ارتش	نیروی هوایی و زمینی، نیروی دریایی، تجهیزات نظامی، پلیس
۴	ساختار نظام بین‌الملل	امنیت
۵	ساختار منطقه	عدم تجزیه‌طلبی، امنیت انرژی، ثبات منطقه‌ای، تقسیم قدرت

بازیگران تأثیرگذار داخلی		ردیف
مجلس اعلای انقلاب، حزب‌الدعوه، صدریون، آیت‌الله سیستانی، حشدالشعبی، جریان حکمت، گردان‌های امام علی، سیدالشهداء	نظام سیاسی شیعه	۱
احزاب سنی، بعثیون، افراط‌گرایی مذهبی، ارتباط با کشورهای عربی	نظام سیاسی سنی	۲
حزب دمکرات کردستان عراق، اتحادیه میهنی کردستان عراق، جنبش تغییر یا جنبش گوران، حزب اتحاد اسلامی کردستان، ترکیه، افراط‌گرایی سنی	نظام سیاسی کرد	۳
القاعده، داعش	گروه‌های تروریستی	۴
ترکمانان	ترکمانان	۵
الفتح، دولت قانون، ائتلاف میهن عراق، ائتلاف ملی عراق، ائتلاف دموکراتیک کردستان	ائتلاف‌های صحنه سیاسی	۶
بازیگران تأثیرگذار منطقه ای		ردیف
امنیت مرزها، اقتصاد و انرژی، کردستان، افراط‌گری مذهبی، ساختار سیاسی عراق، تشیع عراق، ایالات متحده، گردشگری	جمهوری اسلامی ایران	۱
تشیع عراق، اقتصاد، افراط‌گرایی، ج.آ.ایران	عربستان سعودی	۲
کردستان، اقتصاد و انرژی، ترکمانان، افراط‌گرایی	ترکیه	۳
افراط‌گرایی مذهبی، کردها، مرزها	سوریه	۴
امنیت، اقتصاد، کردستان، ج.آ.ایران	رژیم صهیونیستی	۵
بازیگران تأثیرگذار فرا منطقه ای		ردیف
هلال شیعی، اقتصاد و انرژی، ج.آ.ایران، ساختار سیاسی عراق، افراط‌گرایی مذهبی، نظامیان آمریکایی در عراق، کردستان عراق	ایالات متحده آمریکا	۱
انرژی و اقتصاد، رقابت با آمریکا، کردستان عراق، افراط‌گرایی مذهبی	روسیه	۲
امنیت و صلح	سازمان ملل	۳

۳-۴. تعیین فاکتورهای کلیدی در تحولات عراق

تهیه فهرستی از فاکتورهای کلیدی که بر موفقیت یا شکست آن تصمیم تأثیر می‌گذارد، نکته‌ای است که در گام سوم باید به آن توجه داشت. در گام تعیین مؤلفه‌ها و عوامل کلیدی تأثیرگذار محیطی عراق از روش بررسی تاریخیچه بازیگران، بررسی خبری تحولات و روش کتابخانه‌ای استفاده می‌کنیم. با مطالعه منابع، تعدادی از عوامل را شناسایی و دسته‌بندی کردیم.

جدول شماره ۲. فاکتورهای مؤثر بر تحولات امنیتی عراق

عوامل کلیدی	نسبت تأثیر	میزان نفوذ و مداخله
ساختار سیاسی - امنیتی	٪۱۵	متوسط
اقتصادی	٪۱۰	ضعیف
نظامی	٪۸	بسیار ضعیف
بازیگران داخلی	٪۱۹	قوی
بازیگران منطقه‌ای	٪۲۶	بسیار قوی
بازیگران بین‌المللی	٪۲۲	بسیار قوی

همان‌گونه که از جدول فوق مشخص گردیده عامل بازیگران منطقه‌ای تأثیرگذاری بیشتری نسبت به سایر عوامل دارند و پس از آن بازیگران بین‌المللی دارای اهمیت‌اند. عامل ساختار نظامی دارای کمترین اهمیت در شکل‌گیری فاکتورهای کلیدی است.

۴-۴. نیروهای پیش‌ران (کلان‌روندها) تحولات عراق

پس از تشخیص عوامل کلیدی، لازم است نیروهای پیش‌ران بر آنها در محیط کلان هم احصا شود. منظور از پیش‌ران، هر چیزی است که صحنه و محیط کلان را متحول می‌کند و تغییر می‌دهد (پدرام و زالی، ۱۳۹۴: ۲۶) آنچه همواره می‌تواند فاکتورهای کلیدی را تحت تأثیر قرار دهد و تغییرات موردنیاز آنها را به وجود آورد، واقعه یا رویدادی را سریع‌تر از زمان خود و یا کندتر از زمان واقعی با شدت و قدرت متفاوت ایجاد کند، عبارت از نیروهای پیش‌ران است. همواره باید به خاطر داشته باشیم که نیروهای پیش‌ران

موتورهای تغییر فاکتورهای کلیدی هستند (ستاری خواه، ۱۳۹۳: ۴۷) از آنجاکه فهم و درک صحیح آینده، مستلزم شناسایی نیروهای پیش‌ران کلیدی است، انواع مختلف نیروهای پیش‌ران کلیدی باید مدنظر قرار گیرد (حسینی و باقری چوکامی، ۱۳۹۱: ۲۸). نیروهای پیش‌ران در رابطه با سناریوهای محتمل آتی عراق و تأثیر آن‌ها بر امنیت ملی ج.آ.ایران در دو عرصه بازیگران و متغیرهای داخلی و خارجی قابل تقسیم هستند.

در این مرحله، همان فاکتورهای مؤثر بر تحولات عراق را که با مطالعه و نظرسنجی در گام قبل به دست آوردیم، در اختیار ۱۰ تن از خبرگان و کارشناسان مسائل عراق قرار دادیم و نیروهای پیش‌ران را با استفاده از نظرهای خبرگان و کارشناسان عراق به روش سنجش میزان درجه اهمیت هریک از آن‌ها مشخص کردیم، که میانگین نظرات از میان اعداد ۰ تا ۱۰۰ عبارت‌اند از:

جدول شماره ۳. تعیین میزان اهمیت پیش‌ران‌ها

درجه اهمیت	عوامل کلیدی	پیش‌ران‌های مؤثر بر روابط آمریکا و عراق
۸۶	بازیگران داخلی	اقوام و مذاهب گوناگون در عراق و انسجام آن‌ها (اهل تشیع، اهل تسنن، کردها)
۳۵	ساختار نظامی	وجود نظامیان وابسته به اقوام و مذاهب در عراق (حشد الشعبی، حشد الوطني، پیش‌مرگ)
۷۰	ساختار سیاسی - امنیتی	روند دولت‌سازی فدرال - دموکراتیک در عراق
۳۱	بازیگران داخلی	داعش و گروه‌های سلفی تکفیری در عراق
۸۹	بازیگران خارجی	منابع و اهداف اقتصادی آمریکا در عراق
۹۲	بازیگران خارجی	سیاست‌ها و رابطه ج.آ.ایران با عراق
۷۳	بازیگران خارجی	مداخلات خارجی سایر کشورها مانند ترکیه و روسیه در عراق
۸۰	اقتصادی	کمک مالی ایالات متحده به عراق
۷۶	بازیگران داخلی	تعارض یا همراهی دیدگاه‌های اقوام و مذاهب عراق در رابطه با آمریکا و ج.آ.ایران

۷۹	تأثیر آمریکا بر تجزیه‌طلبی هریک از اقوام و مذاهب عراق	بازیگران خارجی
۸۶	ساختار سیاسی عراق	ساختار سیاسی - امنیتی
۷۴	سیاست‌ها درخصوص کردستان عراق	بازیگران داخلی
۴۱	کمک مالی ایالات متحده به عراق	ساختار نظامی
۵۲	اشغال شمال عراق به دست ترکیه	بازیگران خارجی
۹۱	همکاری و کمک‌های نظامی ایران به دولت مرکزی عراق	بازیگران خارجی
۸۴	افزایش ملی‌گرایی عراقی در تعارض با وداخله خارجی	بازیگران داخلی
۲۹	گروه‌های سلفی و بعثی	بازیگران داخلی

۴-۱-۴. پیش‌ران‌های ساختارهای سیاسی و امنیتی

- ساختار دولت دموکراتیک و فدرال: این ساختار یکی از پیش‌ران‌های مهم تحولات آتی عراق به حساب می‌آید. این پیش‌ران آنقدر قوی خواهد بود که می‌تواند طیفی از سناریوها را در دل خود رقم بزند. در صورت توازن قوا در عراق نیز اکثریت کشورها و بازیگران سعی می‌کنند در درون همین روند به اهداف و یا سناریوهای مورد نظر خود نائل آیند.

- برآیند ائتلاف‌های داخلی: از آنجا که احزاب و گروه‌ها در عراق دارای پشتوانه خارجی و حمایت دول بیگانه هستند این ائتلاف‌ها بسیار مهم می‌نماید و می‌تواند طیفی از بازیگران را در دل خود جای دهد.

- ایجاد اصلاحات سیاسی و اقتصادی مورد پذیرش عموم گروه‌ها در عراق از سوی دولت مرکزی: یکی از اختلافات سیاسی در عراق مربوط به مسائل سیاسی و اقتصادی این کشور است و هریک از اقوام و مذاهب دیدگاه و منافع خاصی را در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی از دولت مرکزی مطالبه می‌کنند. آغاز اصلاحات سیاسی و اقتصادی مؤثر و مورد اقبال عموم گروه‌های سیاسی، قومی و مذهبی از سوی دولت

مرکزی عراق می‌تواند در موازنه داخلی نیروها به نفع حکومت مرکزی باشد و این مسئله نیز در حفظ تمامیت ارضی کشور عراق مؤثر خواهد بود و از آنجا که ایالات متحده همواره بر این مهم اثرگذار بوده است و در حال حاضر همان‌گونه که در فصول قبلی اشاره شد تحت عنوان طرح‌های متنوع در صدد دخالت در اصلاحات سیاسی و اقتصادی است قطعاً در تحولات آتی متغیر مهمی خواهد بود.

۴-۴-۲. پیش‌ران‌های اقتصادی

ساختار ناقص و معیوب اقتصادی عراق: با توجه به توان منابع فراوانی که در حوزه انرژی از جمله نفت و گاز دارد همچنان دارای فساد مالی و ساختار بسیار ضعیف اقتصادی، آمار بالای بیکاری و... می‌باشد که باعث ایجاد بحران‌های متنوع سیاسی و اقتصادی، مداخله کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه در اقتصاد عراق و ایجاد وابستگی اقتصادی در آن شده است و زمینه‌ساز بحران‌های متنوع شده است. کمک‌های مالی آمریکا، روسیه، ترکیه، ایران و عربستان در عراق را می‌توان نمونه بارز آن بشمار آورد که باعث اصطکاک منافع در این کشور شده و از سویی وابستگی تکنولوژیکی به کشورهای غربی و آمریکا، وابستگی به برق و گاز ایران، اختلافات آبی با ایران و ترکیه و... را فراهم نموده است.

۴-۴-۳. پیش‌ران‌های نظامی

- وابستگی نظامی عراق به کمک‌های ایالات متحده: سقوط صدام باعث از بین رفتن ارتش قدرتمند عراق و ازهم‌پاشیدگی سازمان‌های نظامی و تسلیحات موجود در عراق شد. از سویی وابستگی نظامی و تسلیحاتی به آمریکا نیز به مرور باعث شد تا عراق به بهانه کمک‌های نظامی مقادیر زیادی سلاح‌های غیرکاربردی در ازای نفت از ایالات متحده خریداری کند اما اختلافات عراق با ترکیه و حرکت نیروهای ترک به داخل عراق، ظهور داعش و سقوط شهرهای عراق یکی پس از دیگری، ظهور گروه‌های شبه‌نظامی و... همگی نشانه ازهم‌گسیختگی و عدم انسجام ارتش این کشور و تلاش‌های ظاهری آمریکا برای بازسازی ارتش عراق دارد. در هر صورت همین عامل

زمینه دخالت آمریکا در عراق را فراهم آورده که موجب تأثیر مستقیم بر ج.آ.ایران می‌گردد.

۴-۴-۴ - تأثیر ایران در تشکیل حشد الشعبی: این نیروی شبه نظامی عراقی که در اصل ساختاری شبیه به بسیج ایران دارد با حمایت مستقیم ایران و نیروهای ایرانی در عراق شکل گرفت که تأثیر مهمی در دفع داعش از عراق داشت و سپس زمینه نفوذ بیشتر ایران را در دیگر ساختارهای عراق بوجود آورد. نقطه مقابل آن حشد الوطنی و تشکیل ارتش ۱۰۰ هزار نفری سنی در عراق توسط آمریکا و کشورهای عربی است. این دو قطعاً در تحولات آتی عراق نقش مهمی را ایفا خواهند کرد.

۴-۴-۴ - تقویت نیروی نظامی کردستان توسط اسرائیل و آمریکا می‌تواند در قدرت‌گری کردها، تجزیه، رفتار غیر دموکراتیک و یا هر رفتار دیگری مؤثر واقع گردد و عراق را دستخوش تحولات جدید نماید.

۴-۴-۴. پیش‌ران‌های بازیگران داخلی

- وجود بازیگران داخلی با هویت‌های متنوع: ادیان و مذاهب و اقوام مختلف در عراق در قالب شیعه، سنی، کردها، ایزدی‌ها، ترک‌ها و... باعث ایجاد شکاف عمیق و جدی سیاسی و اجتماعی در عراق شده و زمینه نفوذ و دخالت سایر کشورها در عراق را فراهم آورده است.

- اعلام استقلال رسمی کردستان: کردستان عراق همواره در صدد اعلام استقلال رسمی از دولت مرکزی عراق بوده است و این جزء آرزوی کردهای عراق است. در صورتی که کردستان عراق بدون اجازه از دولت مرکزی این کشور و بر اساس نتایج فرآیندوم، اعلام استقلال کند، بحران ژئوپلیتیکی و تمامیت ارضی در این کشور، شکل جدی به خود خواهد گرفت. حال رفتار ایالات متحده در قبال این مهم می‌تواند سناریوهای متنوعی را رقم بزند و امنیت ملی ج.آ.ایران را مستقیماً تحت تأثیر قرار دهد. کردستان عراق همواره می‌تواند به عنوان یک اهرم فشار علیه حکومت مرکزی عراق و همچنین ج.آ.ایران مورد استفاده قرار بگیرد.

- **درگیری میان نیروهای شبه نظامی:** در حال حاضر، در عراق نیروهای نظامی با گرایش‌های قومی و مذهبی گوناگونی، وجود دارد و احتمال اینکه هریک از این نیروها، بر سر برخی منافع قومی، مذهبی و ارضی، با یکدیگر درگیر شوند، وجود دارد. پس، هرگونه درگیری میان نیروهای عراقی با یکدیگر، ژئوپلیتیک و امنیت این کشور را در خطر اساسی قرار خواهد داد. از سویی تأمین و حمایت لجستیکی و نظامی آمریکا از هر یک از گروه‌های فوق بر معادلات موجود در این کشور قطعاً مؤثر خواهد افتاد.

- **قدرت‌گیری دوباره داعش و یا بعثیون (اهل تسنن):** اهل تسنن عراق که پس از سقوط صدام به موضع ضعف رفتند ممکن است برای بازیابی قدرت پیشینه خود دست به اقداماتی مانند پیوند داعش و بعثیون، حملات انتحاری، کودتا و ... بزنند که می‌تواند آینده عراق را دگرگون کند (Mansour, 2017: 119). اگر این اتفاق بیفتد تأثیراتی منفی بر حفظ انسجام و یکپارچگی این کشور دارد. لازم به ذکر است که کشورهای عربی منطقه این سناریو را برای خود مطلوب قلمداد می‌کنند.

- **چنددستگی بین گروه‌های شیعی موجود در عراق:** در عراق تشیع برای مدتی به انسجام و یکپارچگی دست یافت اما در شرایط کنونی این گونه به نظر می‌رسد که به دلایلی گوناگونی که خارج از حوصله این نوشتار است دارای چنددستگی شده است و با نفوذ آمریکا بین شیعیان به‌ویژه جوانان شیعه ارتباط تشیع این شور را با ج.آ.ایران دچار گسست کرده که اعتراضات ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ در عراق گواه این مطلب است. این مهم درازمدت می‌تواند منافع ج.آ.ایران در عراق را متحول سازد.

- **بازیابی هویت ملی در عراق:** رفتار برخی مقامات و فرماندهان ایرانی و اظهار نظر آن‌ها درباره نفوذ ایران در عراق به تصویر ایران در بین مردم عراق خدشه وارد کرد و به خشم آن‌ها دامن زد. مهم‌تر آنکه از همان ابتدای امر مشخص بود زمانی که عراق از پس مشکلات خود برآید، در صدد پس گرفتن هویت و کشور خود بر خواهد آمد و سعی خواهد کرد نقش منطقه‌ای خود را بازیابد. چنین اقدامی ناگزیر ابعاد رقابتی در رابطه عراق و ایران را مجدداً پررنگ خواهد ساخت. به علاوه، در روند بازتعریف و ایجاد هویت ملی برای عراق به تصویر کشیدن ایران به عنوان دشمن ناگزیر خواهد بود.

۴-۴-۵. پیش‌ران‌های عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی

علاوه بر عرصه داخلی تحولات در عرصه بین‌المللی بین عراق و ایالات متحده نیز می‌تواند بر امنیت ملی ج.آ.ایران نیز مؤثر واقع گردد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم داشت

- درگیری نظامی محدود ایران و آمریکا در خاک عراق: در ابتدا باید متذکر شد که به نظر می‌رسد آمریکا به احتمال بسیار تا دهه بعد اقدام به خروج کامل نیروهای خود در عراق نخواهد کرد. از دلایل این مهم می‌توان به قرارداد امنیتی میان این دو کشور، منافع اقتصادی در عراق، نفوذ ج.آ.ایران در عراق و ... اشاره کرد. با توجه به تحولات اخیر رخ داده و حملات برخی گروه‌های منتسب به اهل تشیع و حشد الشعبی به پایگاه‌های آمریکایی در عراق و متعاقباً حملات محدود آمریکا به حشد الشعبی و اتفاقات رخ داده از قبیل ترور سرلشگر قاسم سلیمانی و مهندس و اعلام نارضایتی مجلس، مردم و سیاستمداران عراق از دخالت‌های ایالات متحده در عراق عقب‌نشینی مقطعی و کاهش نیروهای آمریکایی در عراق دور از ذهن نیست (رحمانی، ۲۰۱۹: ۱).

راهبرد امنیتی - اقتصادی ترامپ برای عراق: هرچند که در ابتدای قدرت گرفتن ترامپ در کاخ سفید، نگاه انتقادی وی به سیاست‌های گذشته آمریکا در این کشور جدی بود، به مرور زمان ترامپ مجبور شد دیدگاه‌های شخصی و خاص خود را به حاشیه براند و اولویت‌های راهبردی و کلان آمریکا را در کانون سیاست‌های خود قرار دهد. بر این اساس، سیاست خارجی آمریکا در قبال عراق تلفیقی از نگرش‌ها و حساسیت‌های امنیتی و اقتصادی است (Thompson, 2018: 3).

- راهبرد شیعه‌گرایی ایران در عراق: اگرچه جمهوری اسلامی ایران نقش پررنگی در ایجاد امنیت در کشور عراق را داشته است، اما به نظر می‌رسد، با حمایت تمام عیار از گروه‌های شیعی در عراق و ایجاد هلال شیعی از سوی جمهوری اسلامی در عراق نوعاً یک نوع مقابله‌گرایی با آمریکا و دست برتر را داشتن در عراق باشد. در واقع می‌توان این‌گونه بیان داشت، کشور کنونی عراق میدان نبرد و لفاظی‌های آمریکا، جمهوری اسلامی و کشورهای عربی منطقه است.

- توسعه مشارکت عربی در عراق: کشورهای عربی به‌خصوص در حوزه خلیج فارس به دلایل مختلف از جمله ساختار قدرت جدید در عراق و روابط ایران با نظام سیاسی جدید نه تنها تمایلی به گسترش روابط با دولت عراق نداشتند، بلکه عمدتاً در نقش بازیگرانی شناخته شدند که در پی افزایش بی‌ثباتی در عراق هستند. باین‌حال، با گذار عراق از بحران هجوم داعش و ایجاد ثبات نسبی در این کشور، رویکرد کشورهای عربی در عراق با تغییراتی همراه شد. به‌ویژه عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷، روابط و تعاملات خود را با دولت عراق ارتقاء داد و کوشید که به گسترش نفوذ خود در عراق مبادرت ورزد. دیدار مقامات دو کشور و سفر رهبران عراقی به عربستان که از جمله در سفر مقتدی صدر به عربستان نمود داشت.

- راهبرد نوین عربستان به عراق: عربستان هم اکنون به این نتیجه رسیده که سیاست فرقه‌گرایی در عراق ناکارآمد است و ممکن است نتیجه عکس بدهد. مشکلی که هم اکنون برای ج.ا.ایران پیش آمده است. بنابراین شاهد بازگشت به سیاست‌های عمل‌گرایانه و اقتصادی عربستان در عراق هستیم. یک روش برای اعتمادسازی، تلاش عربستان در به‌کارگیری مجموعه‌ای از ابزارهای اقتصادی شامل تجارت میان مرزی، توسعه زیرساخت‌ها در مناطق اخیراً آزاد شده، واردکردن سرمایه بخش خصوصی، ایجاد شغل و معرفی محصولات با کیفیت بالاست. اقتصاد حوزه‌ای است که پادشاهی سعودی می‌تواند از طریق آن، هدف مورد ادعای خود یعنی محدود کردن نفوذ ایران را دنبال کند (Keynoush, 2018: 183).

- نحوه برخورد ترکیه در خصوص سه مثلث امنیتی حزب کارگران کردستان، آب و انرژی: راهبرد ترکیه به هر یک از عوامل مذکور می‌تواند در تحولات آتی عراق نقش مهمی را ایفا کند.

- تلاش آمریکا برای حداقل سازی نقش ایران: آمریکا همه توان خود را در به حداقل رساندن نقش ایران در منطقه به‌ویژه حوزه خلیج فارس در راستای تغییر ساختار قدرت و سیاست در عراق و روی کار آوردن نخبگان همفکر و طرفدار، ایجاد ائتلاف با حکومت‌های سنی منطقه علیه ایران به کار می‌برد. محورهای راهبردی آمریکا عبارت‌اند از: ایجاد پیوند مستقیم بین ایران و تروریسم در عراق، مطرح ساختن ایران به عنوان عامل

فساد و دخالت در ساختار سیاسی عراق، تلاش برای لبنانیزه کردن عراق، پیوند دادن اقدامات حزب‌الله با تحولات عراق، تلاش برای دور ساختن دولت عراق از ایران و مستندسازی در جهت تقویت ایده نقش مخرب ایران در منطقه و تقویت نگرانی از نفوذ ایران در عراق (بیاتی، ۱۳۸۴: ۴۳).

– **نگاه ایران و ترکیه به کردستان عراق:** چنانچه جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به عنوان دو کشور همسایه و مهم و تأثیرپذیر از عراق و تأثیرگذار بر آن، بتوانند با یکدیگر با برخی رهبران و گروه‌های کرد عراق، به توافق برسند، این موضوع می‌تواند، نقش مهمی در آینده تمامیت ارضی کشور عراق، ایفا کند و ایالات متحده نتواند از کردستان به عنوان یک اهرم فشار استفاده نماید. از سویی در صورت تداوم ارسال سلاح و آموزش به کردستان عراق، این مسئله می‌تواند باعث افزایش قدرت نظامی کردها شود و در نتیجه بر آینده ژئوپلیتیک و تمامیت ارضی کشور عراق، تأثیر بگذارد.

– **توافق روسیه و ایالات متحده بر سر عراق:** چنانچه این دو کشور بر سر منافع امنیتی و اقتصادی به همان شیوه که در سوریه به توافق رسیدند در عراق نیز به توافق برسند این مهم قطعاً به کاهش نقش ج.آ. ایران در عراق منجر خواهد گردید (Nemtsova, 2019: 17).

۴-۵. عدم قطعیت‌های عراق

گام بعدی؛ رتبه‌بندی فاکتورهای کلیدی و نیروهای پیشران بر اساس دو نکته مهم است: ۱- میزان اهمیت دستیابی به هدفی که در گام اول مشخص شده است. ۲- تشخیص میزان عدم قطعیت آن فاکتورها و فرآیندها که به تعیین دو یا سه فاکتور یا فرایند مهم‌تر و نامعین‌تر می‌انجامد (وحیدی مطلق و ناظمی، ۱۳۸۷: ۱۱۹). در واقع، مقصود از این گام، تعیین فاکتورهایی است که معیار تفاوت سناریوهاست. مشخص کردن این فاکتورها مهم‌ترین بخش سناریوسازی است. هدف اصلی این است که به تعداد محدودی سناریو برسیم که تفاوت‌های چشمگیری داشته باشند. برای آن‌که یک سناریو ابزاری کارا و مفید به شمار آید، باید بر پایه مسائل بنیادین و تعیین‌کننده تدوین شود. تفاوت‌های اساسی با پیشران‌های یک سناریو نیز، باید محدود باشد تا از زیادی

سناریوهای مختلف بر محور هر عدم قطعیتی جلوگیری شود. اتفاق‌های زیادی ممکن است، ولی سناریوهای اندکی می‌توان ساخت (خزایی، ۱۳۸۸: ۲۱۱). در این مرحله عوامل کلیدی و نیروهای پیشران، موضوع گام‌های دوم و سوم، بر اساس اهمیت آن‌ها برای مسئله‌ای که در گام اول تشخیص داده شده است و میزان فقدان قطعیت، رتبه‌بندی می‌شود. با جمع‌بندی نظرهای ده نفر از کارشناسان تحولات عراق با استفاده از روش سنجش، میزان درجه اهمیت و نیز درجه عدم قطعیت هر یک از آن‌ها را مشخص کردیم که میانگین نظرها در مجموع در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۴. تعیین عدم قطعیت‌های رابطه ایالات متحده و عراق

پیش‌ران‌های مؤثر بر موقعیت ژئوپلیتیکی و تمامیت ارضی کشور عراق	درجه اهمیت این عوامل	درجه عدم قطعیت (نامعین بودن و پیش‌بینی‌ناپذیری این عوامل)
هویت‌یابی، انسجام و استقلال عراق از دخالت خارجی	۹۲	۸۶
در اختیار گرفتن کامل عراق توسط ایران	۱۵	۵۰
تمایل اهل تسنن به استقلال	۳۱	۷۳
تجزیه عراق به سه یا دو قسمت	۳۴	۸۵
جنگ داخلی	۴۱	۹۳
حمله مستقیم نظامی آمریکا به عراق	۳۶	۴۶
از بین رفتن انسجام احزاب سیاسی شیعی عراق	۷۰	۸۷
تقسیم عادلانه قدرت	۹۵	۹۰
توافق ترکیه با کردستان عراق	۸۲	۶۴
اتحاد میان تمام اقوام عراقی (بر ضد ایران)	۷۵	۸۴
قدرت‌یابی مجدد داعش و گروه‌های افراطی	۳۶	۴۱
ارتباط حسنه میان کردستان با ج.ا.ایران	۵۶	۷۹
اعلام استقلال ناگهانی و رسمی کشور کردستان	۶۹	۸۴
درگیری نیروهای شبه نظامی عراقی با	۵۱	۳۶

		یکدیگر
۶۱	۹۳	تداوم حضور نظامی آمریکا در عراق
۸۷	۹۱	اختلاف نظامی ایران و آمریکا در عراق
۹۱	۸۲	حمایت رژیم صهیونیستی از برخی اقوام عراقی
۹۳	۸۶	حمایت کشورهای عربی از اهل تسنن عراق
۹۴	۸۴	خروج کامل نظامی ایالات متحده از عراق
۵۲	۴۲	توافق ایران و ترکیه با رهبران کرد
۸۹	۶۷	تغییر قانون اساسی عراق با نفوذ آمریکا

۵. سناریوهای قابل پیش‌بینی رابطه ایالات متحده و عراق و ارزیابی تأثیر آن بر امنیت ملی ج.آ.ایران بر اساس میزان انتظار وقوع، اهمیت و مطلوب بودن برای امنیت ملی ج.آ.ایران

با توجه به نیروهای کلیدی، پیش‌ران‌ها و عدم قطعیت‌ها (نیروهای داخلی صحنه عراق، نیروهای خارج از منطقه و همسایگان این کشور و همین‌طور اهداف، امکانات و استراتژی این نیروها) می‌توان تصویر محتمل از سناریوهای عراق آینده به دست داد. روشن است هر نیرویی می‌کوشد بیشترین میزان و حداکثر اهدافش خویش را متحقق سازد؛ اما بر سر راه تحقق اهداف هر نیرویی، اهداف و امکانات نیروهای دیگر قرار دارد. به بیانی دیگر، اهداف و امکانات هر طرف پس از تلاقی با اهداف و امکانات طرف‌های دیگر، میزان امکان‌پذیری‌اش آشکار می‌شود. هرچه تعداد و قدرت (مجموع) نیروهای طرفدار یک هدف بیشتر باشد، امکان تحقق آن بیشتر خواهد بود و بالعکس اگر در یک حوزه اختلاف نظر بین نیروهای دخیل وجود داشته باشد، اغلب می‌توان گفت نتیجه، معادل برآیند تلاقی و تقابل نیروها خواهد بود. بر اساس ارزیابی نیروهای گوناگون دخیل در عراق، به نظر می‌رسد بتوان از شش سناریوی محتمل برای آینده این کشور سخن به میان آورد:

نوشتار حاضر بر اساس پیش‌ران‌های سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به تحولات عراق به ترتیب احتمال کم به زیاد شش سناریوی محتمل شامل موارد ذیل را مورد بررسی قرار داده است:

- ۱- سناریوی تغییر ساختار سیاسی در عراق از طریق تغییر قانون اساسی
- ۲- کودتای ارتش
- ۳- تجزیه عراق
- ۴- جنگ داخلی
- ۵- اتحاد و انسجام میان اقوام و مذاهب عراق و افزایش قدرت ملی عراق (عدم همراهی با ایران)
- ۶- سناریوی تقسیم عادلانه و دمکراتیک قدرت (همراه با ایران)

۵-۱. سناریوی تغییر ساختار سیاسی در عراق از طریق تغییر قانون اساسی

اعتراضات مردمی در عراق که به حق روی فساد، تبعیض و سوءاستفاده نیروهای سیاسی حاکم و عمدتاً شیعی انگشت می‌گذاشت و در مراکز جمعیتی شیعی نیز به وجود آمد در واقع تلاش داشت که قانون اساسی فعلی را به بن‌بست کشانده و مسیر را برای نوشتن قانون اساسی جدید هموار کند. در این مسیر نماینده سازمان ملل خانم پلاسخارت^۱ نماینده سازمان ملل در عراق نقش قابل توجهی را به عهده داشت و البته مرجعیت نیز در مراحل با آن‌ها هم مسیر شد (Al-Safy:2019: 1). پلاسخارت که به عنوان یک کارشناس و در جایگاه پیشنهاد در تمام گفتگوهای پارلمان درباره تعدیل و اصلاح قانون انتخابات شرکت می‌کند و در جزئیات نشست‌ها نیز دخالت دارد و فشارهای مختلفی بر کمیته حقوقی وارد می‌کند (خبرگزاری دویچه وله، ۲۰۱۹: ۱) تا احزاب به قانون اساسی نوین تن دهند و در یک وزن‌کشی جدید ثقل سیاسی به طرفی میل کند که از نظر آمریکا متعادل‌تر باشد. اگر ساختار سیاسی بخواهد تغییر کند، بامطالعہ نسل جدید عراق در لابه‌لای اعتراضات مردمی گذشته، ساختار سیاسی بعدی قطعاً زاویه بزرگی با وضعیت فعلی عراق خواهد داشت و گروه‌های سیاسی فعلی اکثراً در حاشیه قرار خواهند گرفت.

1. Jeanine Hennis-Plasschaert

با این وجود باید متذکر شد؛ ساختار کنونی برای کردها و شیعیان بسیار مناسب است و در پرتو آن هم به اهداف خود نائل می‌آیند و هم از قدرت‌گیری اهل تسنن در عراق می‌کاهد. این سناریو از این جهت برای امنیت ملی ج.ا.ایران نامطلوب است که توازن کنونی را به نفع مخالفین ایران بر هم خواهد زد و قدرت شیعیان در عراق پس از تغییر قانون اساسی قطعاً کاهش زیادی پیدا خواهد کرد.

۲-۵. سناریوی کودتای ارتش عراق:

آمریکا به دنبال آن است تا با تحركات نظامی که در عراق انجام می‌دهد، این‌طور وانمود کند که اگر گروه‌های سیاسی در عراق با نخست‌وزیری و تشکیل کابینه از سوی مهرهای مورد نظر خود موافقت نکنند، ممکن است ارتش دست به کودتا بزند. از سوی دیگر شاهد تقویت ارتش عراق و همچنین تلاش برای تشکیل ارتش سنی مذهب ۱۰۰ هزار نفری در عراق بوده‌ایم. جابه‌جایی نیروهای آمریکایی از برخی از پایگاه‌هایشان در عراق و انتقال آن‌ها به مکان‌های امن‌تر مزید بر علت است (Maggiolini, 2019: 10). این سناریو ممکن است در صورت عدم به نخست‌وزیری رسیدن عدنان الزرقی یا هر مهره مورد نظر در بعدها به وقوع بپیوندد. چنین سناریویی مبتنی بر وجود یک شبکه فرماندهی کنترل کارآمد درون نیروهای نظامی عراق است که بتوانند با استفاده از پشتیبانی ارتش آمریکا در عراق قدرت را به دست بگیرند، گروه‌های حامی جمهوری اسلامی را سرکوب کنند و در نهایت یک حکومت اقتدارگرای نظامی نزدیک به اعراب در این کشور بر سر کار بیاورند. نقش ایالات متحده در این سناریو می‌تواند ایجاد خط لجستیکی، حمایت هوایی و پشتیبانی اطلاعاتی و احياناً برخی عملیات ویژه است. این سناریو از امتیاز اختلافات داخلی میان گروه‌های شیعه برخوردار است و چه‌بسا در صورت عدم اتحاد این گروه‌ها چنین عملیاتی به سرعت و سهولت می‌تواند خط مقاومت جریان‌های شیعه عراقی را در بغداد و جنوب بغداد با شکست مواجه کند. در حال این سناریو نیز به دلیل وجود گروه‌های شبه نظامی شیعی و قدرت کردها به نظر گزینه ضعیف و البته برای ایران نامطلوب است اما دور از احتمال نخواهد بود.

۳-۵. سناریوی جنگ داخلی

منظور از جنگ داخلی درگیری بین نیروهای داخلی صحنه عراق است که در صورت تشدید می‌تواند به تجزیه هم منجر شود. دولت مرکزی عراق با کابینه‌ای که بیشترشان شیعه‌اند، در سال‌های اخیر برای سنی‌ها نگرانی‌هایی ایجاد کرده است و بدین جهت، سنی‌ها در عراق در پی آن‌اند که بتوانند سهم بیشتر کابینه را از آن خود کنند (منتظران و قربانی، ۱۳۹۶: ۸۸) و این احتمال وجود دارد که این تقاضاها از راه‌های غیر دموکراتیک مانند: درگیری، استفاده از افراطیون مذهبی مانند القاعده و داعش و ... پیگیری شود. مسئله دیگر این است که به احتمال زیاد، کردها بر سر مسائلی نظیر استقلال خواهی، عواید فروش نفت و مناطق مورد اختلاف نظیر منطقه نفت خیز کرکوک، در ادامه با دولت مرکزی و سنی‌ها با مشکل اساسی روبرو شوند. تقویت مالی نظامی حکومت کردستان عراق که در قالب کمک‌های مالی صورت پذیرفته، این احتمال را در عراق تقویت می‌کند (کرافورد، ۱۳۹۸: ۳)؛ وجود گروه‌های شبه نظامی متعدد در عراق نیز می‌تواند باعث شروع و شعله ور شدن جنگ داخلی و یا نیابتی از طرف کشورهای درگیر در عراق شود (اسدی، ۱۳۹۶: ۱۱۵). بازیگران داخلی عراق با پشتوانه خارجی قابلیت ایجاد جنگ داخلی را دارند. در واقع، سناریوی جنگ داخلی، اگرچه طرفدارانی از همسایگان عراق دارد، اما به نفع هیچ‌یک از همسایگان مهم عراق و از جمله جمهوری اسلامی نیست و می‌تواند عاملی برای تولید بی‌ثباتی و احتمالاً تشدید اختلافات کشورهای منطقه و ایجاد درگیری گسترده نظامی در منطقه گردد.

۴-۵. تجزیه عراق

آمریکا خواهد کوشید تا در صورت شکست پروژه ایجاد یک کشور دموکراتیک متمایل به غرب، این پروژه را در یک محیط جغرافیایی محدودتر نسبت به کل کشور عراق عملیاتی کند. به نظر می‌رسد کردستان عراق به عنوان یک محدوده مناسب در درون سرزمین عراق با توجه به وجود نوعی دموکراسی حداقلی، احزاب سیاسی، پارلمان، ارتش محلی و نوعی خودمختاری نسبی، از پتانسیل بیشتری نسبت به بقیه نقاط عراق برای

آزمایش امکان تحقق منطقه نمونه از حیث دموکراتیک شدن و رفاه اقتصادی برخوردار باشد.

گروه‌های سنی عراقی تا پیش از ظهور پدیده داعش، موضع موافقی نسبت به تجزیه کشورشان نداشتند. از طرف دیگر کردها نیز اگرچه به دنبال امتیاز طلبی و برخی امکانات و توانمندی‌های مستقل از حکومت مرکزی بودند، اما به دلیل اینکه همین امتیاز طلبی‌ها به نحو مناسب ارضا می‌شود و در مقابل سهم مناسبی در حکومت مرکزی داشتند و هم به دلیل اینکه در صورت تجزیه کشور در آن شرایط به احتمال زیاد دستشان از شهرهای استراتژیکی همچون موصل، تکریت و تا حدودی کرکوک کوتاه می‌ماند، در پی تجزیه طلبی نبودند. تنها گروه‌های افراطی کرد که به دنبال آرمان سرزمین کردی بزرگ متشکل از کردستان ایران و عراق و ترکیه بودند، هدف تجزیه را دنبال می‌کردند. در یک جمع‌بندی می‌توان چنین نتیجه گرفت که هیچ‌یک از گروه‌های داخلی به‌طور جدی در پی تجزیه نبوده‌اند (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۷).

از بین کشورهای همسایه نیز ترکیه و ج.آ.ایران عموماً با تجزیه عراق مخالف بوده‌اند. تجزیه کردستان عراق، انگیزه تجزیه طلبی در مناطق کردنشین را به شدت افزایش می‌داد و همچنین منافع اقتصادی‌ای که کشور ترکیه در اقلیم کردستان و شمال عراق داشت موجب می‌شد که با سناریوی تجزیه عراق مخالفت کند. جمهوری اسلامی ایران نیز که خواهان مردم‌سالاری دینی در عراق بوده و هم به دلایل سیاسی، اقتصادی و جهت‌گیری کلی نسبت به تمامیت ارضی همسایگان خود، با تجزیه این کشور مخالف بوده است. دولت عربستان سعودی، نیز به این دلیل که منافع اقلیت سنی عراقی با تجزیه این کشور سازگار نبود و از طرف دیگر در صورت تجزیه، کشور شیعه‌نشین با مرزهای شمالی این کشور هم‌جوار می‌گردید و می‌توانست چالش‌هایی را به عنوان همسایه شمالی برای عربستان ایجاد کند نیز با تجزیه این کشور مخالف بود (خسروی و خسبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۰). کردستان می‌داند در صورت درگیری و بحران با ج.آ.ایران چنانچه مرزهای عراق و ایران بر روی آن بسته شود دچار بن بست اقتصادی خواهد گردید و از سویی تجربه داعش به آن‌ها نشان داد که نمی‌توان به آمریکا اطمینان کامل داشت.

۵-۵. سناریوی اتحاد و انسجام میان اقوام و مذاهب عراق غیرهمراه با ایران (ضدیت با ایران)

اتحاد و انسجام میان اقوام و مذاهب عراق و افزایش قدرت ملی این کشور یکی از سناریوهای محتمل و تقریباً قوی در تحولات آتی عراق است. حتی این مهم می‌تواند از طریق تقسیم عادلانه قدرت هم فراهم آید و این تقسیم و توزیع عادلانه با نفوذ آمریکا به ضرر ایران تمام شود. نکته مهم این است که تقسیم عادلانه قدرت خود به سایر عوامل تأثیرگذار مانند دخالت قدرت‌های بیگانه و چینش نیروهای داخلی عراق وابسته است و مانند تیغ دو لب عمل می‌کند. از سویی این خصوصیت که از سال ۱۹۲۰ در عراق ریشه دارد در مقابله با تحقیرهای ناشی از اشغال و تکرار گزاره دخالت روزانه کشورهای خارجی در امور داخلی عراق و تصمیمات آن در کنار ناکارآمدی دولتمردان فعلی می‌تواند بار دیگر به طور لجام‌گسیخته‌ای خودنمایی کند. اخبار منتشره از دخالت‌های مقامات بلندپایه ایران در انتخابات عراق به این روند کمک شایانی می‌کند (منتظران و قربانی، ۱۳۹۶: ۸۹). حملات نظامی علیه گروه‌های شبه نظامی و ترور شخصیت‌های مهم توسط آمریکا نیز روحیه استقلال طلبی عراقی‌ها را تحریک کرده به طوری که خواهان خروج نیروهای آمریکایی از کشور خود شده‌اند. این خطر نیز وجود دارد که افزایش قدرت ملی عراق موجب شود این کشور، مسیر خود را از ایران جدا کند و مسیری غیرهمسو اتخاذ کند. با افزایش قدرت ملی در عراق، ممکن است، مانند گذشته، این کشور به عنوان عنصر متعادل‌کننده نقش منطقه‌ای ایران عمل کند (Maggiolini, 2017: 9)؛ امری که انرژی حقوقی، سیاسی و امنیتی ایران را صرف رفع تهدید یک رقیب متعارف نظامی در منطقه به نام عراق می‌کرد. یک عراق منسجم و متحد اگر همانند سابق بازیگری خود در منطقه را در مجموعه جهان عرب تعریف کند و از جمهوری اسلامی ایران، به دلایل مسائل قومی یا سیاسی، دور شود، مطلوب جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود.

۵-۶. سناریوی تقسیم عادلانه و دمکراتیک قدرت همراه با ایران

منظور از تقسیم دمکراتیک نیز تقسیمی است که اولاً متناسب با جمعیت هر گروه و ثانیاً بر اساس مکانیسمی دمکراتیک باشد. شکی نیست که استواری و تثبیت ارزش‌ها و نهادهای دمکراتیک در عراق استبدادزده به سهولت نخواهد بود و زمانی طولانی می‌طلبد. بنابراین، بخشی از این سناریو هم مربوط به قبول اصول دمکراتیک خواهد بود، اصولی که در خصوص گروه‌های قومی تبلور خود را در هیئت فدرالیسم اقلیم کردستان می‌یابد. برقراری دمکراسی باثبات در عراق برای همسایگانی که دمکراتیک نیستند، چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد، اما با توجه به حمایت نیروهای اصلی داخلی عراق (شیعیان و اکراد) و عدم مخالفت همسایگان مهم (ایران و ترکیه) و حمایت آشکار آمریکا، چنین سناریویی نسبت به سناریوهای سابق محتمل‌تر به نظر می‌رسد. از دیدگاه منافع جمهوری اسلامی، این سناریو، دارای وجوه مثبت بسیار است. از یک سو متحدان طبیعی ایران (شیعیان و کردها) جایگاه ممتاز و مهمی در عراق به دست می‌آورند. از سوی دیگر، عراق دمکراتیک کمترین خطرس را برای ایران خواهد داشت و احتمال ظهور ماجراجویی نظیر صدام را بسیار کاهش می‌دهد. در عین حال، عراق باثبات و مدیون ایران (قروض ناشی از خسارات جنگ) که در حال بازسازی است، برای اقتصاد ایران و شرکت‌های بخش خصوصی و دولتی کشور می‌تواند بازار مناسب و گسترده‌ای باشد، زیرا زیربنای اصلی عراق از جنگ داخلی طولانی آسیب‌دیده و احتیاج به سرمایه‌گذاری دارد. این سناریو محتملاً یک نگرانی هم برای ایران در پی خواهد داشت. الگوی فدرالیسم مبتنی بر قومیت در اقلیم کردستان، به عنوان مدلی (موفق) ممکن است برای گروه‌های قومی ایران الهام‌بخش و قابل اقتباس به نظر برسد و به مطالبات قومی دامن بزند. در نهایت این که یک عراق متحد، منسجم و قدرتمند، ضمن اینکه طرح‌های ایالات متحده در منطقه را با شکست مواجه می‌کند، حفظ یکپارچگی سرزمینی این کشور نیز، آثار سوء ناشی از شکاف‌های ایدئولوژیک، مذهبی و قومی در عراق را که بر امنیت ملی ایران نیز تأثیرگذار است رفع می‌کند. از سویی، با توجه به اکثریت شیعه در عراق، احتمال بازیگری ایران شیعی را بیشتر خواهد کرد.

۶. نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد آینده‌پژوهی شامل مجموعه تلاش‌هایی است که با جستجوی منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب‌دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر یا ثبات «امروز» است. پژوهش حاضر با استفاده از آینده‌پژوهی و شیوه سناریونویسی با هدف ارائه سناریوهای محتمل آینده عراق پس‌اداعش و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.آ.ایران به بررسی نیروهای کلیدی، پیش‌ران‌ها و عدم قطعیت‌ها در عراق (اساس بازیگران ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) پرداخت. لذا به منظور بررسی آینده‌های محتمل در عراق، ابتدا به شناسایی بازیگران مؤثر در سپهر سیاسی عراق و سپس بر اساس آن به تعیین فاکتورهای کلیدی بر اساس میزان نفوذ و مداخله آن‌ها پرداخته شد و متغیرها شناسایی شدند با شناسایی پیش‌ران‌ها و اهمیت و میزان نفوذ و اثرگذاری هر کدام و سپس عدم قطعیت‌ها به بازخوانی منافع بازیگران مختلف در عراق پرداخته شد و رفتارها، اهداف و منافع هر از این بازیگران داخلی و خارجی در صحنه عراق مورد بررسی قرار گرفت. در انتها با مشخص شدن نیروهای کلیدی و پیش‌ران بر اساس سطوح تحلیل مطرح‌شده نگارنده به معرفی شش سناریو از احتمال کم به زیاد بر اساس اهمیت و مطلوب بودن برای منافع ج.آ.ایران پرداخته شد.

در هر صورت همان‌گونه که در ابتدا بیان شد سناریوهای فوق در پژوهش حاضر از احتمال کم به زیاد مطرح گردیده است و به اعتقاد نگارنده سناریوی تقسیم عادلانه قدرت در همراهی با ایران با توجه به وقایع اخیر محتمل‌تر و برای امنیت ملی ج.آ.ایران نیز مطلوب‌تر می‌نماید. باید به این مهم توجه داشت که منافع غرب و به‌ویژه ایالت متحده آمریکا در پرتو این راهبرد سخت‌الوصول‌تر از سایر سناریوها است.

به نظر می‌رسد با تلاقی دیدگاه‌ها و امکانات متفاوت بازیگران مذکور، بتوان هر کدام از این سناریوها را - بسته به نوع تحولات و جابجایی و قدرت بازیگران - در چشم‌انداز عراق مشاهده کرد. سناریوی کودتا، جنگ داخلی و سناریوی تغییر قانون اساسی و ساختار دولت، کمترین احتمال وقوع را دارد. اما سناریوهای تجزیه عراق، عراق متحد در ضدیت با ایران اگرچه طرفدارانی از همسایگان عراق دارد، اما به نفع هیچ‌یک از

همسایگان مهم عراق و از جمله جمهوری اسلامی نیست و می‌تواند عاملی برای تولید بی‌ثباتی و احتمالاً تشدید اختلافات کشورهای منطقه شود اما احتمال بیشتری نسبت به سه سناریوی اول دارد. سناریوی تقسیم عادلانه و دموکراتیک قدرت در عراق، که محتمل‌تر از بقیه است، به نفع اکثریت کشورهای همسایه و از جمله جمهوری اسلامی است؛ زیرا در پرتو ثبات عراق؛ گروه‌های نزدیک به ایران از سهمی شایسته از قدرت برخوردار می‌شوند؛ عراق دموکراتیک بستر مناسبی برای ظهور دیکتاتوری ماجراجو مانند صدام نمی‌شود؛ ثبات و دموکراسی نسبی در عراق، امکان فعالیت اقتصادی و حضور ایران در صحنه اقتصادی این کشور را، که محتاج بازسازی و نوسازی است، فراهم می‌کند و ثبات و تقسیم قدرت، بهانه‌ای برای مداخلات بین‌المللی و خارج از منطقه باقی نمی‌گذارد. تنها یک نگرانی، که ممکن است برای ایران (و همین‌طور احتمالاً ترکیه و سوریه) پیش می‌آید، الگوی فدرالیسم قومی در عراق خواهد بود که ممکن است در نظر گروه‌های قومی ایران (و کشورهای دیگر همسایه عراق) مدلی مطلوب و مناسب تلقی شود و در نتیجه، به مطالبات قومی جدیدی دامن بزند. به هر حال، هر یک از سناریوهای فوق محتمل باشد، یک نکته مسلم است: عراق در آینده نزدیک اگرچه ممکن است درگیر بحران‌های امنیتی شود اما رقیب جدی ایران و تهدیدی بالفعل همانند دوران حکومتی بعثی‌ها نخواهد شد و تقسیم قدرت یا جنگ داخلی، امکان ظهور دیکتاتوری نظیر صدام حسین را به شدت تضعیف می‌کند.

منابع

- اسدی، علی اکبر. (۱۳۹۶). «آینده وحدت سرزمینی عراق؛ رویکرد بازیگران اهل سنت»، *ماهنامه آینده پژوهی*، فروردین، شماره ۴۳.
- بختیاری مقدم، حسن، عباس ملکی و ذکریا کاظم پور. (۱۳۹۲). «تبیین و بررسی نقش آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی راهبردی سازمان‌های امنیتی». دومین همایش ملی آینده پژوهی.

بیاتی، علی. (۱۳۸۴). *نظریات امنیت ملی*، تهران: نشر مرکز

- پدرام، عبدالرحیم و سلمان، زالی. (۱۳۹۴). **فرایند سناریونویسی در موضوعات راهبردی**، تهران: انتشارات مؤسسه افق آینده پژوهی راهبردی.
- تقوی گیلانی، مهرداد؛ غفرانی، محمد باقر. (۱۳۸۹). «آینده پژوهی: مطالعات و روش‌های آینده‌شناسی»، **مجله رهیافت**، شماره ۲۲، صص ۷۳-۶۵.
- حسینی، حسین و سیامک باقری، چوکامی. (۱۳۹۱). «آینده پژوهی و پیش‌بینی در جنگ نرم»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال ۵، شماره ۱۶، صص ۴۷-۲۳.
- خزایی، سمیرا. (۱۳۸۸). **آینده پژوهی نیاز امروز و ضرورت فردا**، موسسه مطالعات بین‌الملل.
- خسروی، ملک تاج و احسان خسبانی. (۱۳۹۸). «آینده عراق و سناریوهای مربوط به آن (۲۰۲۰-۲۰۱۰)»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال دوازدهم، شماره ۶۴، صص ۱۲۱-۸۷.
- خوش دهان، علی. (۱۳۸۸). **آینده پژوهی با تکنیک سناریوسازی**، تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- دویچه وله فارسی. (۲۰۱۹). «حمایت کاخ سفید از "نقشه راهبردی" سازمان ملل برای حل بحران عراق»، بنگرید در: <https://www.dw.com/fa-ir/433235644>
- رحمانی، روح الله. (۲۰۱۹). «ادامه حضور نظامی آمریکا در عراق برای نظارت بر ایران» بازیابی شده در ۱۳۹۸/۷/۲۷ از: <https://ir.sputniknews.com>
- ستاری خواه، علی. (۱۳۹۳). **آینده پژوهی و سناریونویسی کاربردی**، انتشارات قرارگاه پدافند خاتم الانبیاء. آجا.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و فرحمنند سارا. (۱۳۹۸). «سناریوهای همه‌پرسی استقلال کردستان» **پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، سال ۷، شماره ۲.
- شوارتز، پیترو. (۱۳۹۰). **برنامه‌ریزی برای آینده در دنیایی با عدم قطعیت**، ترجمه عزیز علی‌زاده، تهران: انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

کرافورد، نتا. (۱۳۹۸). «۵/۹ تریلیون دلار هزینه از جیب آمریکایی‌ها برای جنگ»، بازیابی شده در ۱۳۹۸/۸/۱۲ از: <https://plus.irna.ir/news>

مرادی، حجت‌الله؛ نوروزیان، مهدی. (۱۳۹۰). «آینده پژوهی، مفاهیم و روش‌ها»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۳۶، صص ۴۵-۵۰.

مظفری، علی. (۱۳۸۸). «آینده پژوهی، بستر عبور از مرز دانش»، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، شماره ۲(۴)، صص ۲۵-۴۷.

منتظران، جاوید و قربانی سعید. (۱۳۹۶). «سناریوهای پیش روی آینده عراق و تحلیل دور نمای حقوقی، بین‌المللی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی*، دوره ۷، شماره ۲۴، پاییز.

منوری، مهدی. (۱۳۸۳). *اصول، اهداف و کاربردهای آینده‌اندیشی*، تهران: نخستین گارگاه آینده‌شناسی.

وثوقی، سعید؛ صفری، عسگر. (۱۳۹۵). «نقش ایالات متحده آمریکا در افراط‌گری‌های منطقه خاورمیانه با تأکید بر عراق و سوریه»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۷(۴۷)، صص ۱۰۱-۱۲۰.

وحیدی مطلق، وحید؛ ناظمی، امیر، علیزاده، عزیز. (۱۳۸۷). *سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها*، تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

یزدانی، عنایت‌الله؛ افشاری، داود؛ ربیعی‌نیا، بهمن. (۱۳۹۵). «سناریوهای محتمل آینده عراق بر اساس بازیگران مؤثر سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، شماره ۱(۱۹)، صص ۵۵-۸۵.

Al-Safy Sarmad. (2019). IProtests and civil unrest show 'renewed sense of patriotism' in Iraq, UN envoy tells Security Council.un news. December: see at:<https://news.un.org/en/story/2019/12/1052641>

Banafsheh Keynoush. (2016). "Saudi Arabia, Iran, and Gulf Geopolitics: The Case of Iraq". *Crown Center, Middle East Studies*.

Kuoti, Yasir. (2017). "Shifting Gears in Iraq-Saudi Arabia Relation" *The Middle East Research Institute Policy Brief*, 1-6.

- Dettinger, M., et al. (2016). "Design and quantification of an extreme winter storm scenario for emergency preparedness and planning exercises in California", **Natural Hazards**. 60(3): 1085-1111.
- Maggiolini, paolo. (2017). "Iraq's Foreign Policy Directions and Regional Developments. Where does Iraqi Foreign Policy Start?", **Analysis**, 199, 1-11.
- Maggiolini, paolo. (2019). "Iraq's Foreign Policy Directions and Regional Developments. Where does Iraqi Foreign Policy Start?", **Analysis**, 201, 1-11.
- Mansour, Renad. (2017). "Iraq After the Fall of ISIS: The Struggle for the State", **Middle East and North Africa Programme**, 324, PP12-45.
- Nemtsova, Andra. (2019). "*In Russia, the Struggle to Un-Recruit ISIS Followers*", Available at: <http://www.thedailybeast.com/articles/2015/04/03/in-russia-the-struggle-to-unrecruit-isis-followers.html>, (accessed on 2019, March 20).
- Laipson, Ellen. (2017). "**The Future of US-Iraq Relations USAID, US Army**", US Department of Defense. Washington: The Henry L. Stimson Center.
- Thompson, Jack. (2018). "Trump's Middle East Policy", **CSS Analyses in Security Policy Center for Security Studies (CSS)**, ETH Zurich, 117.pp14-37